



آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی در نهج البلاغه

محمد شریفی^{۱*} و مجتبی فائق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۲

چکیده

کارگزاران هر حکومت، اعم از دینی و غیردینی، به همان میزان که از منصب و اختیارات و امکانات حکومتی، برخوردارند؛ در معرض انواع آفات و آسیب‌ها نیز قرار دارند. در این مجال، عوامل آسیب‌زا، پیامدهای ناگوار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ناشی از آن‌ها و راهکارهای پیشگیری از آسیب‌ها با عنایت به رویکردهای حکومت علوی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی از میان انواع آسیب‌ها، آسیب‌های اخلاقی کارگزاران و مسؤولان حکومت دینی را با تأکید بر نهج البلاغه بررسی کرده است به این نتیجه رسید که: مهم‌ترین آسیب‌ها و آفات اخلاقی کارگزاران حکومت دینی عبارت است از: تکبر؛ دنیادوستی؛ خشونت و ستمگری. عوامل مؤثر در ایجاد این آسیب‌ها عجب، ضعف شخصیت، جهل، هوای نفس و قدرت‌زدگی ناشی از به دست آوردن منصب حکومتی است. راه‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اخلاقی کارگزاران، سفارش حاکمان و مدیران ارشد به تواضع و فروتنی، زهدگرایی، مدارا و خوشرفتاری و عدالت‌گرایی و التزام به واجبات دینی است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی اخلاقی، کارگزاران، حکومت دینی، نهج البلاغه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث پژوهشکده نهج البلاغه

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

یکی از مهمترین ارکان سیاسی- اجتماعی حکومت، کارگزاران هستند که به دلیل جایگاه و نقش ویژه‌ای که در حکومت دارند، به همان اندازه، در معرض آسیب‌های اخلاقی بیشتری قرار دارند. از این‌رو، شناسایی این آسیب‌ها، عوامل مؤثر در ایجاد آن‌ها و راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن‌ها از مسائل حائز اهمیت در اندیشه‌های سیاسی معاصر است. بدون شک، آسیب‌پذیری کارگزاران، ضمن این‌که تأثیرات منفی بر عملکرد آن‌ها دارد؛ موجب تباهی و انحراف حکومت نیز می‌شود.

قرار گرفتن افراد در مناصب حکومتی و در پی آن، امکانات، اختیارات، فرصت‌ها و توانایی‌هایی که به‌واسطه انتصاب در بخشی از حکومت، در اختیار ایشان قرار می‌گیرد؛ حاکمان و کارگزاران را در معرض انواع آفت‌ها و آسیب‌های فراوانی قرار می‌دهد. در قرآن و حدیث، به‌ویژه سیرهٔ قولی و عملی امیرالمؤمنین(ع)، اشارات و بلکه تصریحات بسیاری درباره عوامل آسیب‌رسان به عملکرد شایسته کارگزاران حکومت اسلامی وجود دارد.

۱-۱. بیان مسئله

اینکه کارگزاران هر حکومتی در معرض خطرند، به‌صورت اجمالی، مورد تأیید و امری قابل قبول است؛ اما سؤالات این پژوهش از این قرار است: مهمترین آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی از نگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه کدام است؟ عوامل پیدایش این آسیب‌ها در کارگزاران حکومت دینی، از دیدگاه نهج‌البلاغه چیست؟ این آسیب‌های اخلاقی، چه پیامدهای ناگواری دارد؟ راه‌های پیشگیری از این آسیب‌ها چیست و چگونه می‌توان با آسیب‌های ایجاد شده، مقابله کرد؟

این پژوهش، با عنایت به تعالیم امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی، عبارت است از: تکبر، دنیادوستی، خشونت و ستمگری. مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد این آسیب‌ها شامل عجب، ضعف شخصیت، جهل، هوای نفس و قدرت‌زدگی ناشی از به دست آوردن منصب حکومتی است. همچنین، پیامدهای ناگوار آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی، بر اساس آموزه‌های حکومتی امام علی(ع) عبارت است از: استبداد رأی، خشم و ناراضبیتی مردم، سازش کاری، ریاست‌طلبی، انحراف از حق‌مداری، ذلت و خواری و هلاکت. مهم‌ترین راه‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اخلاقی کارگزاران، شامل سفارش حاکمان و مدیران ارشد به تواضع و فروتنی، زهدگرایی، مدارا و خوشرفتاری و عدالت‌گرایی، التزام به واجبات دینی و برخورد قاطع مسؤولان با تندخویان است که در پژوهش حاضر مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در آثار معاصر، در کتاب‌های مختلفی به موضوع حکومت اسلامی و بایسته‌های اخلاقی کارگزاران، پرداخته شده است؛ از جمله؛ کتاب‌هایی با عنوان اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی؛ نظیر «کارگزاران شایسته در

اسلام» به قلم آقای سید مرتضی حسینی اصفهانی (۱۳۸۴) که رساله دکتری ایشان بوده و به چاپ رسیده است. کتاب‌هایی با عنوان سیمای کارگزاران که از آن جمله می‌توان به «سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین (ع)» آقای علی‌اکبر ذاکری (۱۳۷۸) اشاره نمود که شرح مبسوطی از کارگزاران حضرت (ع) در ولایات مختلف را آورده است. کتاب‌هایی با رویکرد ایجابی نسبت به اصول و ارزش‌های حکومت اسلامی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... که به برخی آسیب‌های اخلاقی نیز پرداخته‌اند؛ نظیر «مردم‌سالاری دینی در نهج‌البلاغه» به قلم آقای علی کربلایی پازوکی (۱۳۸۸) که طرح دکتری وی است. مقالاتی درباره آسیب‌شناسی؛ نظیر آسیب‌های اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه؛ نوشته فاطمه دسترنج که در شماره ۳۰ فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه (النهج) به چاپ رسیده است. مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام» نوشته مسعود راعی و محمد فلاح سلوک‌لایی که در شماره ۵۸ مجله حکومت اسلامی چاپ شده است. بررسی این آثار، نشان می‌دهد که در برخی از این آثار، تنها بایسته‌های اخلاقی کارگزاران حکومت، مورد توجه قرار گرفته است و در برخی دیگر به منابع اصیل روایی رجوع نشده است و در برخی هم عوامل آسیب‌زا و راهکارهای مقابله با آسیب‌ها مغفول مانده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

تاکنون، موضوع «آسیب‌شناسی اخلاقی کارگزاران حکومت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، در یک پژوهش مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است تا مشخص شود هر یک از کارگزاران حکومت دینی در بخش‌های مختلف حاکمیت، از چه آسیب‌ها و خطرات اخلاقی باید بپرهیزند و با چه عوامل تهدیدکننده‌ای مواجه خواهند بود. از این‌رو، این مسائل، ضرورت تحقیق در این‌باره را توجیه می‌نماید و می‌توان گفت شناسایی این آسیب‌ها، عوامل آسیب‌رسان و در نهایت، ارائه راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن‌ها هدف پژوهش حاضر است.

۲. مفهوم شناسی

مفهوم آسیب در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی، ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و در نهایت پیدایش تباهی است. چنان‌که از این واژه در آموزه‌های اسلامی به «آفت» که به معنای تباه‌کننده‌ای که به چیزی اصابت کند، تعبیر شده است (فراهیدی، بی‌تا، ۴۱۰: ۸). آسیب‌شناسی در حقیقت، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که وجود یا تداوم حیات آن می‌تواند فرآیند تحقق هر نظام یا سیستمی را متوقف یا به‌صورت محسوس کند (دورکیم، ۱۳۷۳: ۷۴). عبارت «کارگزاران حکومت» نیز ناظر به دو گروه حاکمان و واسطه میان حاکمان و مردم - مدیران اجرایی، نظامی، قضایی و ... - است (معلوف، ۱۳۷۴: ۵۳۰ و ۵۳۱). «حکومت دینی» در این تحقیق، ناظر به دو مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن به حکومت بر جامعه اسلامی و متدینان برمی‌گردد؛ گرچه حاکمان، پایبندی کافی به اعتقادات دینی نداشته باشند و مفهوم خاص حکومت دینی، حکومت حاکمان و کارگزاران مقید به شرایع اسلامی بر جامعه اسلامی

است که در دوران غیبت امام معصوم (ع) از آن به ولایت‌فقیه تعبیر می‌شود. مهم‌ترین اهداف حکومت با عنایت به آموزه‌های اسلامی؛ برقراری نظم و انضباط اجتماعی، استقرار امنیت، تأمین نیازهای مادی، جسمی، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و برقراری عدالت است (حداد عادل، ۱۳۷۵، ۱۳: ۷۸۲-۷۸۵).

۳. آسیب‌های اخلاقی

از مجموع سخنان گهربار امام علی (ع) در نهج‌البلاغه و سایر منابع مرتبط، چنین به دست می‌آید که می‌توان مهم‌ترین آسیب‌ها و آفات اخلاقی کارگزاران را در چهار مورد اصلی، تقسیم نمود که عبارت است از: تکبر، دنیادوستی تندخویی و خشونت و ستمگری.

۳-۱. تکبر

یکی از آفات اخلاقی کارگزاران حکومت دینی، تکبر و خودبزرگ‌بینی است که در آموزه‌های اسلامی به شدت مذمت شده است. با عنایت به آموزه‌های علوی (ع) تکبر در عرصه کارگزاری آسیب‌های اجتناب‌ناپذیری در پی دارد که این آسیب‌ها علاوه بر کارگزاران، پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی داشته و در بسیاری موارد حکومت اسلامی را نیز به چالش می‌کشاند.

۳-۱-۱. مفهوم تکبر

کبر به معنای عظمت و بزرگی است (صاحب بن عباد، بی‌تا، ۲۷۵: ۶؛ ابن سیده، بی‌تا، ۱۲: ۷) و تکبر که مشتق از آن است به مفهوم بزرگی طلبی (جوهری، بی‌تا، ۸۰۲: ۲؛ زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۵۲) و خودبینی (قرشی، ۱۳۷۱، ۶: ۷۳) است. کبر در اصطلاح علم اخلاق، به معنای بزرگ و عزیز شمردن خود بر دیگران است که خلق‌و‌خوی باطنی است و به واسطه آن آثار و پیامدهایی در اعمال و رفتار فرد ظاهر می‌شود که این ظهور، تکبر نامیده می‌شود (نراقی، بی‌تا، ۳۸۰: ۱؛ نراقی، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

تکبر در کارگزاران حکومت، به گونه‌ای است که خود را برتر از دیگران و شایسته دستور دادن دانسته و دیگران را تحت امر، برده و فرمانبردار خود می‌دانند و هیچ‌گونه حق رأی و اظهارنظری برای آن‌ها قائل نیستند. در قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) از تکبر، به شدت نهی شده و بدترین اخلاق‌ها و عیب‌ها دانسته شده که موجب هلاکت می‌گردد. از دیدگاه امامان هدایت (علیهم‌السلام)، متکبران، افرادی هستند که از توجه و الطاف الهی بی‌بهره‌اند و مورد غضب الهی قرار گرفته و در زمره اهل جهنم هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۱۰).

۳-۱-۲. عوامل مؤثر در تکبر

تکبر در کارگزاران حکومت دینی، متأثر از عوامل درونی عجب، ضعف شخصیت، جهل و بی‌خردی و همچنین عامل بیرونی عملکرد نادرست مردم است. این عوامل از دو جهت دیگر نیز قابل بررسی است یکی جنبه مشترک عوامل که در همه افراد جامعه وجود دارد و برای شناخت دقیق آن لازم است از منابع اصیل

اخلاقی استفاده شود و دیگری جنبه اختصاصی عوامل که ویژه کارگزاران حکومت است و فقط ایشان به سبب منزلتی که در جامعه دارند در معرض آن قرار می‌گیرند.

مهمترین عوامل درونی تکبر عبارت است از:

عجب؛ در کتاب‌های علم اخلاق، اصلی‌ترین عامل تکبر، عجب دانسته شده است. عجب، به معنای آن است که آدمی، به جهت کمالی که در خود می‌بیند، خود را بزرگ شمارد (نراقی، بی‌تا، ۱: ۳۸۰). تفاوت عجب با کبر، این است که در عجب، آدمی خود را شخصی قابل‌اعتنا می‌داند و خودپسند است؛ اگرچه این خودپسندی نسبت به دیگران نباشد؛ ولی کبر، خودپسندی و برتر دانستن خود از دیگران است؛ به همین دلیل عجب، ریشه کبر دانسته شده است (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

دومین عامل درونی تکبر، احساس ذلت و خواری درونی است که از آن به ضعف شخصیت تعبیر می‌شود. امام علی (ع) تکبر را عامل ظهور پستی و فرومایگی انسان می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۰) و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «هیچ مردی نیست که تکبر کند یا گردنکشی نماید، مگر به خاطر خواری و ذلتی که در وجودش می‌یابد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳: ۷۶۱).

از دیگر عوامل درونی مؤثر در تکبر بر اساس آموزه‌های علوی (ع)، جهل و فساد عقل است؛ چنانکه در روایتی از مولای متقیان (ع) آمده است: «خودبزرگ‌بینی فرد، دلیلی بر ضعف و سستی عقل اوست» (همان، ۲۷۱: ۱). در ادامه کلام حضرت علی (ع)، تکبر، رأس و اصل جهل و نادانی و عین حماقت، دانسته شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۹). امام (ع) تکبر صاحبان قدرت نسبت به جایگاه خود را ناشی از بی‌خردی و حماقت آن‌ها می‌داند (همان: ۳۴) و در بیان اینکه چرا تکبر بر جهل و حماقت فرد دلالت می‌کند، می‌فرماید: «بسیار شمردن (بزرگ دانستن) خود نسبت به آنچه برای تو باقی نمی‌ماند و تو نیز برای آن باقی نمی‌مانی از بزرگترین نادانی است» (همان). کسی که دیروز نطفه (آب گندیده‌ای) بوده و فردا مردار می‌گردد چرا باید تکبر داشته باشد؟ در حقیقت، بی‌توجهی به مبدأ و معاد که ناشی از جهل انسان بوده عامل تکبر است.

مهم‌ترین عامل بیرونی در ایجاد و تشدید تکبر کارگزاران حکومت که جنبه اختصاصی دارد، توجه بیش از اندازه مردم و فروتنی و اظهار ذلت آن‌ها به سبب منصب و جایگاه کارگزاران است. چنانکه وقتی عده‌ای از بزرگان و دهقانان شهر انبار، هنگام عزیمت مولای متقیان (ع) به شام با دیدن حضرت (ع) از اسب‌ها پیاده شدند و در پیش رکاب ایشان دویدند؛ امام (ع) آن‌ها را از این عمل نهی نموده، فرمود: «به خدا قسم! حکمرانان و امیران شما از این عمل، نفعی نمی‌برند و شما در دنیای خویش، خود را آزار می‌دهید و در آخرتتان نیز بدبخت می‌شوید» (حکمت/۳۶).

حضرت (ع)، روزی در حالی که سوار بر مرکب بود از نزد یاران خود خارج شد و عده‌ای از آن‌ها به دنبال ایشان پیاده به راه افتادند، امام (ع) وقتی علت این کار را جویا شد، آن‌ها گفتند که دوست دارند در رکاب ایشان باشند، امام (ع) آن‌ها را نهی کرده، فرمود: «راه رفتن فرد پیاده، همراه کسی که سواره است موجب تباهی سواره و خواری پیاده است» (برقی، ۱۳۷۱، ۲: ۶۲۹؛ قمی، ۱۴۱۱، ۴: ۱۷۹). وقتی یاران، عمل خود را

تکرار کردند، حضرت(ع)، دوباره آن‌ها را از حرکت پیاده به دنبال خود بر حذر داشته، فرمود: «صدای کفش‌ها به دنبال مردان، سبب تباهی دل‌های احمقان است»(همان).

۳-۱-۳. آسیب‌های ناشی از تکبر

نخستین پیامد تکبر، استبداد رأی و عدم پذیرش پند است. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «کسی که برای هیچ کس فضیلتی قائل نباشد(خودبزرگ‌بین باشد)، خودرأی است»(کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۲۴۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳: ۲۴۴). مولای متقیان(ع) پیامد تکبر را عدم آموزش و یادگیری از دیگران می‌داند و در سفارش به امام حسن مجتبی(ع) خودپسندی را آفت اندیشه‌ها معرفی می‌کند(نامه/۳۱).

دومین پیامد تکبر، گردنکشی و زورمداری کارگزاران است، چنان‌که در روایت نبوی(ص)، فرد خودبزرگ‌بین در زمره جباران قرار گرفته و عذابی مانند آن‌ها به او می‌رسد(نراقی، بی‌تا، ۱: ۳۸۰). سومین پیامد تکبر، این است که فرد، از انجام کارهای نیک بازمی‌ماند، چنان‌که در روایت علوی(ع) آمده است: «خودپسندی، انسان را از افزون‌سازی کارهای نیک بازمی‌دارد»(حکمت/۱۵۸).

کارگزاران متکبر در نتیجه استبداد رأی، از شناخت جنبه‌های گوناگون مسائل بازمانده و در تصمیم‌گیری‌های خود دچار اشتباه شده و اسباب نارضایتی و پشت کردن مردم به خود و حکومت را ایجاد می‌کنند، چنان‌که مولای متقیان(ع) می‌فرماید: «برای متکبر، دوستی نیست»(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۰).

نارضایتی عمومی در بسیاری موارد به‌صورت، خشم، غضب و دشنام بروز پیدا می‌کند(همان) و پس از اتمام دوران زمامداری، کارگزاران را دچار خواری و پستی بسیار می‌گرداند؛ زیرا مردم در سال‌های خدمتشان، تکبر، استبداد رأی و گردنکشی آن‌ها را تحمل نموده و پس از برکناری از قدرت متناسب با عملکرد نادرستشان با آن‌ها رفتار می‌کنند که این رفتار، موجب ذلت و خواری کارگزاران است.

آخرین پیامد تکبر برای کارگزاران، هلاکت، تلف کردن دنیا و آخرت و مستوجب غضب الهی شدن است که این پیامد در مقبولیت حکومت نیز بسیار اثرگذار است؛ چنان‌که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «کسی که خودبینی به او راه یابد هلاک می‌شود»(ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴۷؛ همو، ۱۳۷۸، ۲: ۵۴). در روایتی دیگر از مولای متقیان(ع) آمده است: «با بسیاری تکبر، تلف کردن دنیا و آخرت حاصل می‌شود»(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۰).

۳-۱-۴. راهکارهای پیشگیری از تکبر

پس از شناخت تکبر و پیامدهای شوم آن برای جامعه و حکومت اسلامی بر مبنای تعالیم حکومتی امام علی(ع) این مسأله ایجاد می‌شود که آیا در آیین زمامداری حضرت(ع) راهکارهایی برای پیشگیری از این آسیب اخلاقی ارائه شده است؟ از سیره حکومتی امام علی(ع) راهکارهای گوناگونی برای پیشگیری از تکبر کارگزاران، قابل استنباط است:

نخست کارگزاران حکومت باید با یادآوری حکومت و سلطنت الهی، حقارت و کوچکی خود را در عالم وجدان کرده و از تکبر، دوری نمایند، چنان‌که مولای متقیان(ع) در سفارش به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگاه

حکومت، برای تو خودبزرگبینی و کبر به وجود آورد، به بزرگی سلطنت خداوند که فوق توست و قدرتی که بر تو دارد و تو را بر خودت آن قدرت و توانایی نیست نظر کن، که این نظر کبر و غرورت را می‌نشانند و تندی و شدت را از تو بازمی‌دارد و عقل از دست رفته را به تو بازمی‌گرداند» (نامه/۵۳).

در گام بعدی حاکمان و مسئولان باید با سفارش به کارگزاران و زیردستان خود در بعد نظری، آن‌ها را از این رذیلت اخلاقی بر حذر دارند؛ چنانکه حضرت علی(ع) در خطبه قاصعه، تکبر را مظهر اخلاق جاهلی دانسته که عامل برانگیختن دشمنی‌ها و محل دمیدن شیطان است. امام(ع)، پست‌ترین حالات حاکمان نزد مردم را حالتی می‌داند که گمان خودستایی و فخرفروشی به آن‌ها برده شود و از کردارشان، کبر و خودخواهی برداشت شود (خطبه/۲۰۷) و در توصیه به همگان، آن‌ها را از عوامل کبر بر حذر داشته (خطبه/۲۳۴) و بر لزوم فروتنی و تواضع و کنار گذاشتن تکبر تأکید نموده، فرمود: «پس تاج افتخار تواضع و فروتنی را بر سر نهید و بزرگی و خودپسندی را زیر پا افکنید و تکبر و گردنکشی را از گردن‌هایتان دور سازید و تواضع را همچون مرزی بین خود و دشمنانتان یعنی شیطان و سپاهیان‌ش قرار دهید» (همان).

ایشان(ع) در سفارش به مالک اشتر نیز آشکارا او را از گردن‌کشی و برخورد آمرانه با مردم که ناشی از تکبر و خودپسندی است بر حذر داشته، می‌فرماید: «و در گفتارت نگو که من را امیر کرده‌اند، فرمان می‌دهم پس مرا اطاعت کنید؛ که این روش، سبب فساد دل و کاهش و ضعف دین و نزدیک شدن زوال قدرت است» (نامه/۵۳). امام(ع) خطاب به مخنف‌بن سلیم که کارگزار جمع‌آوری زکات بود نیز لزوم تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر را گوشزد نموده، به او فرمان داد که فروتنی پیشه کند و از تکبر بپرهیزد که خداوند، فروتنان را برمی‌آورد و متکبران را خوار می‌گرداند (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۱: ۲۵۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۷: ۷۱).

یکی از اصول اخلاقی قابل دریافت از سیره معصومان (علیهم‌السلام)، تواضع و فروتنی ایشان است که مهم‌ترین عامل در ایجاد الگوی مناسب برای کارگزاران حکومت است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، خود را از گروهی می‌داند که برتری‌جویی ندارند (خطبه/۲۳۴) و مانند همه مردم، بنده و مملوک خداوند متعال هستند (خطبه/۲۰۷). ایشان در دوران زمامداری خود، شبانه به منزل فقرا می‌رفت و ناشناس از آن‌ها دلجویی می‌نمود و وقتی در مواردی، ناآگاهانه به خلیفه مسلمانان توهین و ناسزایی گفته می‌شد؛ بدون هیچ تکبر و خودبزرگبینی، همه سخنان ناروا را می‌شنید و در برابر پروردگار به توبیخ نفس خود می‌پرداخت؛ چنانکه وقتی بیوه‌زنی که شوهر خود را در جنگ از دست داده بود، گفت که خداوند میان من و علی بن ابیطالب داوری کند، امام(ع) که ناشناس به آن خانواده خدمت می‌کرد، هنگام برافروختن تنور نان می‌فرمود: «ای علی بچش! این است کیفر کسی که از بیوه‌زنان و یتیمان غافل بماند» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۲: ۱۱۶).

۲-۳. دنیادوستی

یکی دیگر از آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی، دنیادوستی است که در تعالیم معصومان (علیهم‌السلام) از آن نهی شده است. دنیادوستی بروز حب مال و حب جاه در فرد است (نراقی، بی‌تا، ۲: ۴۶).

حب مال نشانه‌اش ثروت‌اندوزی است ولی حب جاه به مراتب پیچیده‌تر از حب مال بوده و انسان جاه‌طلب به دنبال مالک شدن دل‌ها و تسخیر قلوب مردم است تا او را بزرگ بدانند و از دستوراتش پیروی کنند (همان: ۳۵۹). نشانه حب جاه در کارگزاران حکومت ریاست‌طلبی است. پس ثروت‌اندوزی و ریاست‌طلبی دو نشانه مهم بروز دنیادوستی در کارگزاران است که آسیب‌های فراوانی در پی دارد.

۳-۲-۱. مفهوم دنیادوستی

دنیادوستی به معنای غوطه‌ور شدن در حیات پست دنیوی و پیروی از خواهش‌های نفسانی نکوهیده و ناپسند است و در روایات معصومین (علیهم‌السلام) اساس هر خطاکاری و گناهی دانسته شده (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۳۸؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۱: ۲۱) که موجب فساد دین مسلمان می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۱۵؛ ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۱۰۳).

۳-۲-۲. عوامل مؤثر در دنیادوستی

امام علی (ع) در سفارش به امام حسن مجتبی (ع) در مورد دنیادوستی فرموده است: «مبادا دلگرمی اهل دنیا که به دنیا دل بسته‌اند و بر سر دنیا به یکدیگر می‌پزند، تو را فریفته سازد، چه خدا تو را از دنیا خبر داده و دنیا نیز وصف خویش را با تو در میان نهاده و پرده از زشتی‌هایش گشاده است» (نامه ۳۱). حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این قسمت از وصیت‌نامه، رهنمودهایی در مورد عوامل دنیادوستی بیان می‌فرماید که البته این عوامل میان همگان مشترک بوده و بیشتر جنبه اخلاقی دارد. یکی از عوامل دنیادوستی که بر دیگر عوامل، سبقت دارد و زمینه‌ساز تأثیر دیگر عوامل است و موقعیت را برای نفوذ عوامل دیگر فراهم می‌سازد، عدم رشد شناختی و اخلاقی انسان است. بدین معنا؛ انسان به واسطه عدم شناخت و تکامل معنوی لازم، سریع مجذوب دنیا می‌گردد و آخرت خود را فراموش می‌کند. علاوه بر عدم رشد و تکامل آدمی، دل‌فریبی دنیا، خود عامل دیگری است که انسان را مجذوب خویش می‌سازد. این جاذبه‌ها آن‌چنان، بشر را مجذوب می‌سازند که قدرت اندیشه از وی سلب می‌گردد. البته در کنار این علل و اسباب، عوامل دیگری نیز وجود دارند که این جاذبه و کشش را افزون می‌سازد. یکی از آن عوامل، عامل اجتماعی است. معمولاً در هر اجتماعی اکثر مردم علاقه شدیدی به دنیا دارند و برای به دست آوردن متاع دنیا سر و دست می‌شکنند. آدمی وقتی به اطراف خود می‌نگرد و می‌بیند همت جمع زیادی متوجه به دست آوردن لذایذ دنیا است، سریع هم‌رنگ جماعت شده و تحت تأثیر آن موج و تحریک اجتماعی، مجذوب دنیا می‌گردد. این وضعیت اجتماعی، وی را به آن سمت تحریک می‌کند و توجهش به آن جلب می‌شود؛ چون می‌پندارد که یقیناً چیز مهمی است که مردم به آن توجه دارند. البته عوامل اجتماعی دیگری، نظیر چشم و هم‌چشمی و یا فرار از مذمت و نکوهش دیگران و ... نیز وجود دارند که آدمی را به سمت دنیا می‌کشانند. عامل دیگری که باید به این عوامل اضافه نمود، عامل وسوسه‌های شیطانی است که همیشه در صحنه فعالیت‌ها حاضر است و از دیگر عوامل نیز بهره‌برداری می‌کند و موجب روی آوردن آدمی به دنیا شده و دنیا را در منظر وی دوست‌داشتنی و پسندیده جلوه می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱: ۳۲۳). از دیگر عوامل دنیادوستی، پیروی از هوی و هوس

و خواهش‌های نفسانی است (نراقی، بی‌تا، ۲: ۲۳). امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «بدبخت کسی است که فریب هوای نفس خویش خورد» (خطبه/۸۵). مولای متقیان(ع) کسی را که تابع خواهش‌های نفسش باشد شایسته کارگزاری حکومت اسلامی نمی‌داند (نامه/۷۱) و این بر اهمیت شناخت عوامل مؤثر در بروز دنیادوستی که در بیشتر موارد میان افراد جامعه مشترک بوده دلالت می‌کند.

۳-۲-۳. آسیب‌های ناشی از دنیادوستی

یکی از پیامدهای دنیادوستی، از دست دادن عقل و خرد است که موجب بی‌بصیرتی و گمراهی کارگزار می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: «چه بسا عقلی که اسیر هوای نفس است و هوای نفس بر او امیری می‌کند» (حکمت/۱۸۲). ایشان(ع) در توصیف ابعاد شخصیتی معاویه، او را شخصی دانسته که مهار خویش را به دنیا سپرده و از راه حق گمراه شده است (نامه/۱۰).

سازشکاری، از دیگر آسیب‌های ناشی از دنیادوستی و پیروی از هوای نفس است. امام علی(ع) کارگزاران حکومت را از هوی پرستی و توجه به خواهش‌های نفسانی بر حذر داشته و پیامد آن را سازشکاری و سستی نسبت به اصول می‌داند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۴۷).

ریاست‌طلبی، از دیگر آسیب‌ها است. حضرت علی(ع) عامل بیعت عمر و عاص با معاویه را ریاست‌طلبی و به‌دست آوردن حکومت مصر دانسته، فرمود: «او با معاویه بیعت نکرد مگر به شرط آنکه بخششی (حکومت مصر) به او بدهد و برای دست از دین برداشتن رشوه اندکی به او ببخشد» (خطبه/۸۳). مهمترین آسیبی که در نتیجه دنیادوستی کارگزاران که ریشه‌اش پیروی از خواهش‌های نفسانی است در جامعه ایجاد می‌شود، فتنه و فساد است (خطبه/۵۰).

۳-۲-۴. راهکارهای پیشگیری از دنیادوستی

برای پیشگیری از دنیادوستی کارگزاران حکومت دینی، با عنایت به آموزه‌های علوی(ع) راهکارهایی قابل ارائه است:

مهم‌ترین سفارش حاکمان و مسئولان به کارگزاران حکومت دینی، این است که در گفتار و رفتار باید خود را از خطا و اشتباه، مصون ندانند. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «من نه برتر از آن هستم که لغزشی ننمایم و نه در رفتار خود از خطا ایمن هستم؛ مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی مرا کفایت کند که او بر نفس من از خودم تواناتر است» (خطبه/۲۰۷). سپس حاکمان باید با بیان پیامدهای کنترل خواهش‌های نفس، کارگزاران را به مقابله با این آسیب تشویق نمایند. حضرت علی(ع) بزرگ‌ترین زمامداران را کسی می‌داند که بر نفس خویش تسلط داشته باشد و در عهدنامه مالک اشتر، بهترین وزیران را کسانی دانسته که در پیروی از هوای نفس حکمرانان کمتر آن‌ها را یاری کنند. علاوه بر این از دیدگاه ایشان(ع) نخستین گام در عدالت‌گستری، مهار نفس یا همان عدالت فردی است (خطبه/۸۶).

در تعالیم علوی(ع) بر لزوم زهدگرایی کارگزاران حکومت تأکید شده است. زهد به معنای کوتاه‌کردن آرزوها، خالص کردن کارها، شکر در برابر نعمت‌ها و پرهیزکاری در برابر گناهان است (خطبه/۸۰). مولای

متقیان(ع)، دنیای حرام که معصیت خدای تبارک و تعالی در آن انجام می‌گیرد را در مقابل آخرت دانسته و تأکید می‌کند که دستیابی به آخرت جز با ترک آن حاصل نمی‌شود(حکمت/ ۱۰۰ و ۳۷۷ و ۴۴۸). علاوه بر این بررسی عملکرد و رفتار انبیای الهی در حیات دنیوی نیز بهترین راهنما در جهت‌گیری کارگزاران حکومت است. این انسان‌های برگزیده در زندگی خود با رفتاری زاهدانه و به دور از هرگونه توجه به دنیای حرام و بهره‌مندی آن‌چنانی از نعمات و غوطه‌ورشدن در لذت‌های آن به حیات مادی خود پایان دادند(خطبه/۱۵۹).

حاکمان و مدیران ارشد در عمل نیز باید با ساده‌زیستی و پرهیز از دنیا دوستی خود الگویی شایسته برای زیردستان و کارگزارانشان باشند، چنانکه حضرت علی(ع) در دوران زمامداری خود بارها بر بی‌ارزشی دنیا، مال و ریاست آن تأکید نموده، خطاب به یکی از کارگزاران، بهره خود از دنیا را دو جامه ساده و دو قرص نان دانست(نامه/۴۵).

امام علی(ع) در تعالیم خود، زهد و ساده‌زیستی را از وظایف حاکم اسلامی دانسته، فرمود: «خداوند متعال بر رهبران و امامان حق، این‌گونه مقدر فرموده که زندگی خود را به مثل ضعیفان جامعه درآورند تا مبدا رنج فقر، فقیران را به طغیان اندازد»(خطبه/۲۰۰) ایشان(ع) بر لزوم هم‌سطح بودن زندگی مسؤولان با طبقه محروم جامعه تأکید نموده تا کارگزاران از سختی‌ها و مشقت‌های زندگی ناتوانان آگاهی پیدا کنند و مستمندان نیز به این واسطه دلگرم شده و اسباب رضایتشان فراهم آید.

۳-۳. تندخویی و خشونت

تندخویی و خشونت، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت است که در تعالیم علوی(ع) به شدت از آن نهی شده است. تندخویی و خشونت کارگزاران حکومت به سبب اینکه دامنه اثرگذاریش همه جامعه را شامل شده و موجبات نارضایتی همگانی و دلسردی مردم نسبت به حکومت را فراهم می‌کند حائز اهمیت است.

۳-۳-۱. مفهوم تندخویی و خشونت

در آموزه‌های اسلامی واژه‌های؛ "الْخُرْقُ"، "الْعُفْ" و "الْفَطْ" بر تندخویی و خشونت رفتاری دلالت می‌کنند. "الْخُرْقُ" (ابن درید، بی‌تا، ۱: ۵۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ۷: ۵۲) و "الْعُفْ" (فراهیدی، بی‌تا، ۲: ۱۵۷؛ جوهری، بی‌تا، ۴: ۱۴۰۷) به معنای خشونت و ضدنرمی است. "الْفَطْ" به مفهوم، تندخو، بداخلاق و خشن است(فراهیدی، بی‌تا، ۸: ۱۵۳).

در تعالیم امام علی(ع)، خشونت و تندخویی، بدترین، زشت‌ترین و ناپسندترین اخلاق‌ها دانسته شده است. ایشان وجود خشونت را عامل عیب و زشتی هر چیز می‌داند(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۶ و ۲۶۴).

۳-۳-۲. عوامل مؤثر در تندخویی و خشونت

غضب و عدم تعقل و تفکر، مهمترین عوامل درونی و قدرت‌زدگی ناشی از منصب و جایگاهی که کارگزار دارد مهم‌ترین عامل بیرونی بروز تندخویی و خشونت است.

تندخویی و خشونت از مهم‌ترین پیامدهای غضب است. خشم در روایات معصومان (علیهم‌السلام) سبب فساد ایمان و کلید هر بدی، دانسته شده که اگر از آن تبعیت شود، ویرانی و هلاکت در پی دارد. در بیان مولای متقیان (ع)، شدت غضب و خشم سبب تغییر در شیوه سخن گفتن، قطع ریشه برهان و دلیل و گسستن فهم و درک است (نراقی، بی‌تا، ۱: ۳۳۸). در حقیقت، با خشونت رفتار کردن و بدون دلیل و منطق از ایده‌ای دفاع کردن از نشانه‌های تندخویی است که سبب شدت خشم است.

حضرت علی (ع)، اساس کم‌عقلی را تندخویی می‌داند؛ به این معنا که مهم‌ترین پیامد کم‌عقلی و بی‌خردی، درشتی کردن با مردم است (خوانساری، ۱۳۶۶، ۴: ۵۰). در کلامی دیگر از ایشان (ع) خشم، نشانه سبک مغزی که از شیطان به آدمی رسیده، معرفی شده است (نامه/۷۶). این دو عامل در جامعه مشترک بوده و جنبه اخلاقی دارد و از آن جهت که وقتی با عامل بیرونی همراه شود منجر به تندخویی در کارگزاران می‌شود مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین عامل بیرونی خشونت کارگزاران حکومت دینی که به ایشان اختصاص دارد، قدرت‌زدگی در اثر برخورداری از جایگاه ویژه حکومتی است. حضرت علی (ع) در سفارش به امیران سپاه خود، آن‌ها را از قدرت‌زدگی به واسطه برتری و مسؤولیتی که دارند برحذر داشته و به حسن رفتار و پرهیز از خشونت و تندخویی با مردم توصیه می‌کند (نامه/۵۰). ایشان (ع) در نامه خود به مالک اشتر نیز سلطنت و جایگاه حکومتی را سبب ایجاد عظمت و بزرگی در چشم او دانسته که تندخویی و خشونت از پیامدهای آن است و از او خواسته که با توجه به قدرت و عظمت پروردگار این رذیله اخلاقی را در خود فرونشانند (نامه/۵۳).

۳-۳-۳. آسیب‌های ناشی از تندخویی و خشونت

نخستین پیامد خشونت و خشم برای کارگزاران از دیدگاه امام علی (ع)، تباهی عقل و دوری از حق و راه درست است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۵). حضرت علی (ع) در تبیین ویژگی درنده‌خویی، روا دانستن هرگونه ظلم و تعدی به دیگران را مورد تأکید قرار داده، می‌فرماید: «و درندگان تمام تلاششان، دشمنی و تجاوز به دیگران است» (خطبه/۱۵۲). خشونت و تندخویی که در بیشتر موارد به ظلم و تعدی به حقوق مردم می‌انجامد مصداقی از درنده‌خویی نسبت به دیگران است.

مولای متقیان (ع) در توصیف ویژگی‌های دوران زمامداری خلیفه دوم، خشونت و تندخویی او را مهم‌ترین خصوصیت دانسته و پیامد آن را این‌گونه وصف می‌نماید: «سخنش تند و ملاقات با او رنج‌آور و اشتباهش زیاد و عذرخواهی‌اش بسیار بود... به خدا سوگند! مردم در زمان او دچار اشتباه، ترس و اضطراب شده و هر روز به رنگی درآمدند و از راه خدا منحرف شدند» (خطبه/۳). بر اساس این توصیف کارگزاران خشن علاوه بر منحرف شدن، جامعه را نیز به انحراف می‌کشاند.

پیامد دیگر درشت‌خویی و خشونت برای کارگزاران حکومت بر اساس آموزه‌های امام علی(ع) خواری و ذلت است. در روایتی از امام علی(ع) آمده است: «بسا بلندمرتبه‌ای که زشتی تندخویی او را پست گرداند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۵).

مهم‌ترین آسیب تندخویی و خشونت در بعد اجتماعی، پراکندگی و فاصله گرفتن مردم از کارگزاران حکومت است چنان‌که قرآن کریم، عامل وحدت و اجتماع مردم اطراف پیامبر(ص) را نرمی و خوشرفتاری ایشان بیان کرده و خشونت را موجب پراکندگی آن‌ها می‌داند (آل عمران/۱۵۹). حضرت علی(ع) نیز خشونت و تندخویی را عامل پراکندگی مردم دانسته، می‌فرماید: «هرکه درشت‌خوی باشد و خشونت ورزد مردم از اطرافش پراکنده می‌شوند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۴). پس پیامد ناگوار تندخویی و خشونت کارگزاران در جامعه؛ انحراف مردم، پراکندگی و فاصله گرفتن آن‌ها از حکومت است که آن نیز ناکامی حکومت در نیل به یکی از مهم‌ترین اهدافش که ایجاد رضایت همگانی است را در پی دارد.

۳-۳-۴. راهکارهای پیشگیری از تندخویی و خشونت

با عنایت به آموزه‌های علوی(ع) در نهج‌البلاغه، راهکارهایی برای پیشگیری از تندخویی و خشونت کارگزاران حکومت دینی، قابل‌ارائه است:

این راهکارها، دارای دو بعد نظری و عملی است. بعد نظری از دو جنبه ایجابی و سلبی قابل‌بررسی است؛ جنبه ایجابی به سفارش‌های معصومان(علیهم‌السلام) به‌ویژه امام علی(ع) بر لزوم حلم، نرم‌خویی و مدارای با مردم و جنبه سلبی به سفارش‌های ایشان در پرهیز از تندخویی و خشونت دلالت می‌کند. بعد عملی هم به عملکرد و رفتار پیامبر(ص) و امام علی(ع) در خوشرفتاری و مدارا و پرهیز از خشونت اشاره دارد:

الف) جنبه ایجابی

حضرت علی(ع) قوی‌ترین مردم را کسی می‌داند که با حلم و بردباری بر غضبش غلبه نماید و در سفارش به یکی از یاران خود فرو بردن خشم هنگام قدرت، حلم هنگام غضب و گذشت در وقت تسلط را مورد تأکید قرار داد (نامه/۶۹).

مولای متقیان(ع) در سفارش به فرمانداران و کارگزاران خود، خوشرفتاری، ملاحظت و نرم‌خویی را سبب جذب مردم و انس گرفتن آن‌ها با مسؤولان می‌داند (نامه/۵۳).

علاوه بر این حضرت علی(ع) در آیین زمامداری خود نیز لزوم مدارا با همگان را مورد تأکید قرارداد و در سفارش به مأموران مالیاتی خود خوشرفتاری و نرم‌خویی را دو رکن اخلاقی مهم دانست (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ۱: ۲۵۲).

ب) جنبه سلبی

درباره پیامد بدرفتاری، مولای متقیان(ع) می‌فرماید: «انسان بدرفتار، سبک‌سری و کم‌عقلی بسیار و زندگانی مکدری دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۴).

حضرت علی(ع) همه کارگزاران حکومت از فرمانداران و مأموران مالیاتی را از خشونت و بدرفتاری با مردم نهی نمود(نامه/۲۵) و در سفارش به مالک اشتر فرمود: «بر مردم همچون حیوان درنده مباش که خوردن آن‌ها را غنیمت دانی... و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد شتاب مکن»(نامه/۵۳). حضرت(ع) پس از جنگ جمل با وجود ستیزه‌جویی و دشمنی مردم بصره، گناهکاران آن‌ها را عفو نموده و از کسانی که دست از جنگ کشیدند، شمشیر برداشته و آنها را به ایشان(ع) گرویدند را پذیرفت(نامه/۳۹) و در عمل از هرگونه خشونت بی‌جا پرهیز نمود.

از دیگر راهکارهای پیشگیری از تندخویی و خشونت کارگزاران این است که حاکمان و مسؤولان باید دیدگاه کارمندان و زیردستان خود را نسبت به منصب حکومتی، اصلاح کنند تا آن‌ها دچار قدرت‌زدگی نشوند. کارگزاران حکومت باید مسئولیت و کارگزاری خود را فرصتی برای خدمت‌گزاری بدانند نه زمانی برای بهره‌برداری از قدرت، چنانکه حضرت علی(ع) در نامه به اشعث بن قیس این اصل را به او گوشزد نمود: «حکمرانی برای تو طعمه نیست، بلکه امانتی بر عهده تو است و از تو خواسته‌اند دستور مافوق خود را رعایت نمایی. تو را حقی نیست که در امور مردم به دلخواه خود رفتار کنی»(نامه/۵). ایشان(ع) در سفارش به مأموران مالیاتی نیز آن‌ها را خزانه‌داران مردم، وکیلان ملت و نمایندگان پیشوایان نامیده و بر لزوم انصاف، مدارا و صبر در برآوردن نیازهای مردم تأکید نمود(نامه/۵۱). پس اصلاح دیدگاه کارگزاران نسبت به جایگاه حکومتی در جلوگیری از ایجاد آفت تندخویی و خشونت بسیار مؤثر است.

مهم‌ترین راهکار مقابله با تندخویی و خشونت کارگزاران پس از بروز این آسیب، قاطعیت در مواجهه با خاطیان است. حاکمان و مدیران در صورت دریافت گزارشی از تندخویی و خشونت کارمندان خود باید با قاطعیت، آن‌ها را توبیخ و عزل نمایند، چنانکه وقتی ابوالأسود دوئلی که قاضی امام(ع) بود از منصبش عزل شد، از ایشان(ع) علت را جویا شد، حضرت(ع) فرمود: «برای آنکه دیدم بلندتر از طرف دعوا سخن می‌گویی»(ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۲: ۳۴۳؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۰: ۱۳۶).

۳-۴. ستمگری

از دیگر آفت‌های اخلاقی کارگزاران حکومت، ظلم و ستم به دیگران است که در تعالیم امام علی(ع) از آن نهی شده است.

در حکومت اسلامی، ظلم و ستم به هیچ‌کس؛ نه مسلمان و نه غیرمسلمان؛ پذیرفته نیست و در تعالیم امامان معصوم (علیهم‌السلام)، حتی از ستم به دشمنان نیز نهی شده است. مولای متقیان(ع) ستمگرترین مردم را کسی می‌داند که راه و رسم ستمگری را پدید آورد و روش عدالت‌محوری را براندازد(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۵) و از ویژگی‌های حاکمان پست، فاسد و فاسق مانند یزید بن معاویه ستمگری است(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۱؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۹۶).

با عنایت به آموزه‌های امام علی(ع) بدترین و خوارترین مردم که احترامی ندارند، حاکم ستمگری است که به عدالت رفتار نکند و او نخستین کسی است که به دوزخ وارد شده و مورد خشم و غضب الهی است.

امام علی(ع) حاکم ستمگر را بدتر از حیوانات درنده دانسته، فرمود: «آن درنده‌ای که طعمه خویش را خورنده و درهم شکننده است بهتر از زمامداری است که ستمگر است و به مردم ظلم می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۷).

۳-۴-۱. گونه‌های ستمگری کارگزاران حکومت

ستمگری کارگزاران حکومت از دیدگاه امام علی(ع) دارای وجوه گوناگونی است:

الف) ستم اقتصادی

انحصارطلبی و اختلاس جلوه‌ای از ستمگری اقتصادی کارگزاران حکومت است. امام علی(ع) یکی از ویژگی‌های سلبی زمامدار را ستمکاری دانسته و جلوه آن را خیانت در امانت مسلمانان (بیت‌المال) معرفی می‌کند (خطبه/۱۳۱).

ب) ستم سیاسی

رابطه‌گرایی و به‌کارگیری افراد بی‌صلاحیت در جایگاه‌ها و مناصب مختلف حکومتی، بارزترین جلوه ستمگری سیاسی کارگزاران حکومت است. مولای متقیان(ع) در این باره می‌فرماید: «و بعد به رفتار کارگزاران بیندیش و پس از آزمایش آن‌ها را به کارهایی، منصوب کن و به میل خود و بدون مشورت با دیگران آن‌ها را به کاری مگمار. زیرا دنبال هوای نفس رفتن و به رأی دیگران توجه نکردن از موارد ظلم و خیانت محسوب می‌شود» (نامه/۵۳).

ستمگری سیاسی کارگزاران حکومت، جلوه‌های گوناگون دیگری نیز دارد، از جمله: نافرمانی و بی‌توجهی نسبت به دستورهای مقام بالادستی، غلبه و زورگویی به زیردستان و همکاری با ستمگران (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۱۲۱).

ج) ستم اجتماعی

افراط و تفریط در انجام کارها، بی‌انصافی، تبعیض، ریختن خون مردم به ناحق از جمله موارد ستمگری کارگزاران حکومت به جامعه است. امیرالمؤمنین(ع) زیاده‌روی یا کوتاهی کردن در انجام امور مردم را ستم به آن‌ها می‌داند (نامه/۳۱). ایشان(ع) در سفارش به مالک اشتر بر لزوم انصاف در معاشرت با مردم تأکید کرده و بی‌انصافی را از جلوه‌های ستمگری دانست (نامه/۵۳).

تبعیض و رویکرد چندگانه نسبت به افراد به دلیل جایگاه‌های گوناگون و میزان دوری و نزدیکی به سران قدرت، جلوه دیگری از ستمگری است. مولای متقیان(ع)، محمد بن ابی‌بکر را از تفاوت و تبعیض در نگاه کردن به افراد برحذر داشته تا قدرتمندان در ستمکاری او طمع نبرند و در نامه ۵۹ نهج‌البلاغه خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «باید امور مردم نزد تو یکسان باشد زیرا ستم نمی‌تواند جایگزین عدل و داد شود».

در این کلام، تبعیض رفتاری میان مردم، نمونه ستمگری کارگزاران محسوب شده است. کشتار و ریختن خون مردم به ناحق، از دیگر جلوه‌های ستمگری کارگزاران حکومت به جامعه است. هم‌چنان که امام علی(ع) مالک اشتر را از ریختن خون ناحق پرهیز داد(نامه/۵۳).

۳-۴-۲. عوامل مؤثر در ستمگری

دشمنی و کینه، حرص و طمع، پیروی از هوی و هوس مهمترین عوامل درونی و قدرت یافتن مهم‌ترین عامل بیرونی در بروز ستمگری کارگزاران حکومت است. در کتاب‌های علم اخلاق آمده است؛ اگر عامل ظلم و ستم دشمنی و کینه باشد این رذیله مربوط به قوه غضبیه بوده و اگر عامل آن حرص و طمع باشد از رذیلت‌های قوه شهویه است(نراقی، ۱۳۷۷: ۴۷۶). پس کینه و طمع دو عامل درونی ستمگری است که این عوامل در همه مشترک است.

در قرآن کریم، پیروی از هوای نفس، عامل بازدارنده عدالت دانسته شده است. از دیدگاه حضرت علی(ع) پیروی از هوی و هوس کارگزاران را از عدالت بازمی‌دارد: «وقتی بولهوسی‌های (میل‌ها و خواست‌های) زمامدار گوناگون باشد، او را از عدالت بسیار بازمی‌دارد»(نامه/۵۹). پیروی از هوای نفس همان ستم به خود و توجه به خواهش‌ها و امیال نامشروع درونی است. مولای متقیان(ع) نخستین گام در ایجاد عدالت درونی را کنار گذاشتن هوی و هوس می‌داند(خطبه/۸۶) و این ستم به خود یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز ستمگری به دیگران است.

مهم‌ترین عامل بیرونی ستمگری کارگزاران حکومت، قدرت یافتن بر دیگران است. امام علی(ع) می‌فرماید: «زمامداری نیست که خداوند به او قدرت و نعمت دهد و با آن بر بندگان خدا ظلم و ستم روا دارد و به موجب آن ظلم خداوند متعال آن مقام و جایگاه را از او بازپس گیرد»(دیلمی، ۱۴۱۲، ۱: ۶۸). حضرت(ع) در تذکری به کارگزاران، قدرت را عامل ستم به مردم دانسته و توانایی پروردگار در مجازاتشان را به آن‌ها گوشزد نمود(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۷).

۳-۴-۳. آسیب‌های ناشی از ستمگری

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ستمگری کارگزاران حکومت دینی، ایجاد رخنه در اصول اعتقادی مردم است. امام علی(ع) در توصیف عملکرد حاکمان ستمگر می‌فرماید: «بدترین مردم نزد خداوند، پیشوای ستمکاری است که خود، گمراه است و مردم را هم به گمراهی می‌کشاند، او سنت پذیرفته‌شده را از بین می‌برد و بدعت زیر پا گذاشته‌شده را زنده می‌نماید»(خطبه/۱۶۳). مولای متقیان(ع) در بیان پیامدهای ستمگری حاکمان، بروز تفرقه و اختلاف کلمه، ظهور نشانه‌های ستم، تبهکاری‌ها و نیرنگ‌ها در دین، ترک سنت‌ها و اجرا نشدن احکام الهی را از جمله این پیامدها دانست(خطبه/۲۰۷).

علاوه بر این ستمگری کارگزاران، در بعد اجتماعی نارضایتی مردم و خواست آن‌ها برای نابودی حکومت را در پی دارد(طوسی، ۱۴۱۴: ۷۹). ستم حاکمان در برخی موارد موجب پراکنده‌شدن مردم و فرار آن‌ها از

مملکت و در نتیجه تقویت دشمنان و تضعیف نیروهای داخلی گردیده است (حکمت/۴۶۸) و گاهی سبب قیام مردم و مقابله آن‌ها با حکومت می‌شود (حکمت/۳۴۱ و ۴۶۸).

از دیگر آسیب‌های ستمگری کارگزاران که جامعه متأثر از آن است، ویرانی سرزمین است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۶). علاوه بر این امام علی (ع) ظلم و ستم حاکمان را عامل ویرانی و از بین رفتن آبادانی مملکت دانسته، فرمود: «در آن‌جا که حکومت ستم می‌کند سازندگی پدید نخواهد آمد» (همان: ۳۴۸).

مهم‌ترین آسیب ناشی از ستمگری برای حکومت، سلب قدرت، نابودی و زوال حکومت است. این قدرت در حقیقت، فرصت خدمت‌گزاری به مردم و نعمتی از جانب پروردگار است (همان: ۳۴۱ و ۳۴۶ و ۴۵۷). امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «هر کس، داد ستمدیده را از ستمگر نستاند، خداوند قدرت و توانایی او را سلب می‌کند» (همان: ۴۲۸).

یکی از اقسام ستم کارگزاران به مردم، رابطه‌گرایی و به‌کارگیری افراد بی‌صلاحیت در اداره امور است. در آموزه‌های علوی (ع) این رویکرد موجب از بین رفتن و نابودی حکومت دانسته شده است (همان: ۳۴۲ و ۳۴۵ و ۴۵۷).

از دیگر گونه‌های ستمگری کارگزاران حکومت دینی، ریختن خون مردم به ناحق است که امام علی (ع) پیامد آن را زوال حکومت دانست (نامه/۵۳). پس ستمگری کارگزاران علاوه بر ایشان حکومت اسلامی را نیز دچار مشکل کرده و اسباب زوال آن را فراهم می‌کند.

۳-۴-۴. راهکارهای پیشگیری از ستمگری

راهکارهای پیشگیری از ستمگری کارگزاران حکومت دینی، دارای دو بعد نظری و عملی است؛ بعد نظری به بیان پیامدهای اخروی ستمگری، پرهیزدادن کارگزاران از ستمگری، بیان نتایج و ثمرات عدالت محوری، سفارش مسؤولان بر لزوم عدالت‌گرایی کارگزاران در اداره امور و توصیه مردم به عدالت‌خواهی برمی‌گردد و بعد عملی به رفتار و عملکرد پیشوایان دینی به‌عنوان الگوی کارگزاران حکومت در عدالت‌گرایی اشاره دارد.

الف) بعد نظری

در روایات معصومان (علیهم‌السلام) خشم خداوند، سرافکندگی قیامت و عذاب جهنم از پیامدهای ستمگری دانسته شده است. امیرالمؤمنین (ع) نیز فرصت‌دادن به ستمگر و بهره‌مندی او در دنیا را دلیل رهایی از بازخواست و مجازات الهی ندانسته، می‌فرماید: «هرگاه خداوند به ستمکار مهلت دهد بدین معنی نیست که او را مؤاخذه نخواهد کرد در حالی که پروردگار در کمین‌گاه، نشسته تا او را به بند کشد و چون استخوان گلوگیر حلقش را بفشارد» (خطبه/۹۶).

در تعالیم امام علی (ع) علاوه بر مذمت ستمگری بر پرهیز از آن نیز تأکید شده است. ایشان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کارگزاران حکومت را عدم همکاری آن‌ها با ستمگران می‌داند (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۱: ۳۵۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۳: ۱۴۸).

از سوی دیگر در آموزه‌های حضرت علی(ع)، عدالت، گران‌بهارترین نعمت‌ها، برترین خصلت‌ها و کارها، استوارترین پایه و اساس، حافظ دولت‌ها، معیار و ملاک سیاست، زینت و زیبایی فرمانروایی و حکومت و سبب حیات احکام، دوام و ثبات حکومت‌ها، کارآمدی دولت‌ها و به سامان رسیدن زندگی مردم دانسته شده است(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۹). از دیدگاه امام علی(ع)، عدالت‌گرایی از نشانه‌های خردمندی و بزرگواری است(همان: ۴۴۶).

ایشان(ع) در موارد متعددی بر لزوم حق‌گرایی و پرهیز از تبعیض میان نزدیکان کارگزاران و سایر مردم تأکید نموده، خطاب به مالک اشتر فرمود: «و حق را بر هرکس که سزاوار است اجرا کن خواه بستگان و نزدیکان باشند و یا غریبه و دور و دراین‌باره صبر پیشه کن و این صبر را به حساب پروردگارت بگذار گرچه اجرای حق درباره فامیل و خویشاوندان باشد رنج و ناراحتی آن را تحمل کن که عاقبت خوبی خواهد داشت»(نامه/۵۳). ایشان(ع) جلوه دیگر عدالت‌گرایی را که همان انصاف است در وصیت به امام حسن مجتبی(ع) مورد تأکید قرار داده، فرمود: «فرزندم: نفس خود را بین خود و دیگران میزان قرار ده و برای دیگران دوست داشته باش آنچه برای خویش دوست می‌داری و برای دیگران چیزی را خوش نداشته باش که برای خود خوش نمی‌داری و بر آن‌ها ستم روا مدار همان‌طور دوست نداری کسی بر تو ستم کند و نیکی کن همان‌گونه که علاقه‌مندی به تو نیکی کنند. برای خود زشت شمار آنچه برای دیگران زشت می‌شماری»(نامه/۳۱).

راهکار دیگری که از آموزه‌های امام علی(ع) درباره پیشگیری از ستمگری قابل دریافت است به عملکرد و مطالبات مردمی از کارگزاران برمی‌گردد در کتاب شریف نهج‌البلاغه درباره لزوم ظلم‌ستیزی مردم این چنین آمده است: «ای مؤمنان! کسی که ببیند ستمی انجام می‌گیرد و کار زشتی که مردم را به آن دعوت می‌کنند و در دل آن کار زشت را بد بداند؛ از عذاب قیامت، رهایی یافته و از گناه به دور مانده است و آنکه با زبان آن کار زشت را انکار کند مستحق پاداش است و از آنکه فقط با قلب انکار کرده برتر است و آنکه آن کار زشت را با به کار بردن شمشیر انکار نماید تا کلام خدا برتر از هر کلامی قرار گیرد و کلام ستمگران پست گردد این همان کسی است که راه هدایت را یافته و در مسیر صحیح دین خدا ایستاده و نور یقین در قلبش تابیده است»(حکمت/۳۶۵).

علاوه بر این حضرت علی(ع) خطاب به مردم، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی را از لوازم حکومت عدالت‌محور دانسته و ذهنیت سنگینی انتقاد و طلب عدالت را از خود نفی نمود(خطبه/۲۰۷).

ب) بعد عملی

مهم‌ترین راهکار مقابله با ستمگری کارگزاران بر اساس آیین زمامداری علوی(ع) به قاطعیت حاکمان در برخورد با ستم‌پیشگان برمی‌گردد. امام علی(ع) در اجرای عدالت، قاطعیت داشت و در بازگرداندن حقوق به تاراج رفته مردم و دفع ستمی که بر آن‌ها در زمان خلیفه سوم رفته بود؛ اقدامات لازم را انجام داده با قاطعیت فرمود: «به خدا قسم اگر آن املاک را بیابم به مسلمین برمی‌گردانم گرچه مهریه زنان شده باشد، یا با آن

کنیزها خریده باشند. زیرا گشایش امور با عدالت است، پس آن که تحمل عدالت را ندارد بدون تردید تحمل ظلم بر او سخت‌تر است» (خطبه/۱۵). امام علی(ع) حتی در مواجهه با ستم احتمالی کارگزاران خود نیز قاطعیت نشان داده در نامه مالک اشتر هیچ عذری را در قبال کشتن ناحق مردم که از جلوه‌های ستمگری است نپذیرفته و قصاص را پیامد خطاکاری احتمالی او دانست (نامه/۵۳).

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه حاکمان و کارگزاران حکومت، از مناصب حکومتی و جایگاه مهمی در حکومت برخوردار بوده و در پی آن، امکانات مادی و معنوی، اختیارات، فرصت‌ها و توانایی‌هایی به واسطه انتصاب در حکومت، در اختیارشان قرار می‌گیرد؛ به همان اندازه در معرض انواع آفت‌ها و آسیب‌های فراوانی نیز قرار می‌گیرند. یکی از این آسیب‌ها و شاید مهم‌ترین آسیبی که دامن‌گیر کارگزاران می‌شود آسیب‌های اخلاقی است. بر اساس آموزه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی عبارت است از: تکبر، دنیادوستی، خشونت و ستمگری.

عوامل زیادی در ایجاد آسیب‌های اخلاقی در کارگزاران حکومت دینی تأثیرگذار است. تکبر در کارگزاران حکومت دینی، متأثر از عوامل عجب، ضعف شخصیت، جهل و بی‌خردی و عملکرد نادرست مردم است. همچنین دو عامل مهم بروز دنیادوستی در کارگزاران، ثروت‌اندوزی و ریاست‌طلبی است که هر یک، آسیب‌های فراوانی در پی دارد. مهم‌ترین عوامل بروز تندخویی و خشونت، غضب، عدم تعقل و تفکر و قدرت‌زدگی ناشی از منصب است و در نهایت، عواملی که باعث بروز ستمگری در کارگزاران حکومت می‌شود عبارت است از: دشمنی و کینه، حرص و طمع، پیروی از هوی و هوس.

هر یک از این آسیب‌های اخلاقی، پیامدهای ناگواری نیز به همراه دارد: استبداد رأی، گردنکشی و زورمداری، فاصله گرفتن از مردم، خشم و نارضایتی مردم، سازشکاری، ریاست‌طلبی، انحراف از حق‌مداری، ذلت و خواری و هلاکت، از جمله پیامدهای این آسیب‌ها در نهج‌البلاغه به شمار رفته است.

مهم‌ترین راه‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی، عبارت است از: سفارش حاکمان و مدیران ارشد به تواضع و فروتنی، زهدگرایی، مدارا و خوشرفتاری و عدالت‌گرایی، التزام به واجبات دینی، برخورد قاطع مسؤولان با تندخویان، اصلاح نگاه کارگزاران نسبت به جایگاه حکومتی و الگو قرار دادن سیره انبیای الهی در زهد و ساده‌زیستی.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام. تهران: انتشارات فقیه.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین. (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة. قم: دارالسید الشهدا.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
- ----- (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- ----- (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا. تهران: جهان.
- ----- (۱۴۰۳). معانی الأخبار. قم: انتشارات اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- ابن درید، محمد بن حسن. (بی‌تا). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی‌تا). المحکم و المحيط الاعظم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابیطالب. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۴۸). اللهوف علی قتلی الطفوف. ترجمه احمد فهری زنجانی. تهران: جهان.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ازهری، محمد بن احمد. (بی‌تا). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالكلم. تهران: دانشگاه تهران.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیة.
- بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعة. تهران: فرهنگ سبز.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالكلم. قم: دفتر تبلیغات.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (بی‌تا). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲). ارشاد القلوب الی الصواب. قم: الشریف الرضی.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶). مقدمة الأدب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۰۹). منیة المرید. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (بی‌تا). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتب.

- طوسی، محمد بن الحسن. (١٤١٤). الامالی. قم: دارالثقافه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- قرشی، علی اکبر. (١٣٧١). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (١٤١١). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٠٧). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منسوب به جعفر بن محمد. (١٤٠٠). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (١٣٩١). ره توشه: پندهای پیامبر (صلی الله علیه وآله) به ابوذر. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مفید، محمد بن محمد. (١٤١٣). الامالی. قم: کنگره شیخ مفید.
- نراقی، احمد. (١٣٧٧). معراج السعادة. قم: هجرت.
- نراقی، محمدمهدی. (بی تا). جامع السعادات. بیروت: اعلمی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (١٤٠٨). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.